**«در محضر مرجعیت»**

**سلسله جلسات علمی حضرت آیت الله العظمی شیرازی دام ظله در ماه مبارک رمضان ۱۴۴6 (جلسه پانزدهم)**

پانزدهمین نشست علمی مرجع عالیقدر آیت الله العظمی سید صادق حسینی شیرازی دام ظله در شب های ماه مبارک رمضان ۱۴۴6 با حضور جمعی از شخصیت های علمی، نمایندگان مراجع عظام تقلید، فعالان دینی و فرهنگی و طلاب علوم دینی، در شامگاه روز شنبه چهاردهم رمضان المبارک ۱۴۴6 در بیت مرجعیت شهر مقدس قم برگزار شد.

مشروح مباحث مطرح شده در این نشست به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحیم، وله الحمد

پرسش: از لحاظ شرعی بر چه کسی «فقیر» اطلاق می‌شود؟

پاسخ: از لحاظ شرعی، بر کسی که مخارج سال خود و افراد تحت تکفّلش جهت تهیه امور مورد نیاز زندگی‌اش در طول سال، از قبیل خوراک، پوشاک و مسکن به گونه‌ای که در شأنش باشد را نداشته باشد، «فقیر» اطلاق می‌شود، اما کسی که صنعت یا ملک و یا سرمایه‌ای دارد که می‌تواند مخارج سال خود را تهیه کند، فقیر نیست

البته لازم به ذکر است گاهی ممکن است شخصی کارگر باشد و با توجه به شأنیتی که در جامعه دارد، بتواند موارد مورد نیازش را تهیه کند؛ در این صورت از لحاظ شرعی به این شخص «فقیر» اطلاق نمی‌شود. همچنین، ممکن است شخصی تاجر باشد، اما قدرت مالی کافی برای تهیه وسایل مورد نیازش که در شأنش باشد را نداشته باشد؛ در این صورت، به چنین شخصی «فقیر» اطلاق می‌شود.

اما مسکین یعنی کسی که از فقیر سخت‌تر زندگی را می‌گذراند.

پرسش: جمع‌آوری و تدوین قرآن به گونه‌ای که الان به دست ما رسیده است، چه زمانی اتفاق افتاده است؟

پاسخ: به این مسأله در قرآن کریم اشاره نشده است، ولی از آن جهت که قرآن کریم بیان کرده است: «ما آتاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوه» (حشر / 7) و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حدیث متواتر ثقلین فرمودند: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمُ الثَّقَلَيْنِ أَمَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ»، بنابراین، کلام اهل بیت علیهم السلام هم در حجیت مانند ظواهر قرآن است. و نیز در روایاتی بیان شده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند یک ختم قرآن فلان مقدار ثواب را دارد که ظاهر آن ختم، کامل قرآن است. از این روایت برداشت می‌شود که قرآن در زمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به طور کامل جمع‌آوری شده بود. یکی از آن روایات عبارت است از موثقۀ سکونی از امام صادق علیه‌السلام که آمده است: «قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَيُّ الرِّجَالِ خَيْرٌ؟ قَالَ: الْحَالُّ الْمُرْتَحِلُ، قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَ مَا الْحَالُّ الْمُرْتَحِلُ؟ قَالَ: الْفَاتِحُ الْخَاتِمُ الَّذِي يَفْتَحُ الْقُرْآنَ وَ يَخْتِمُهُ فَلَهُ عِنْدَ اللَّهِ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ» (بحار الأنوار، ج89، ص205، ح4) و در روایتی دیگر نقل شده: «سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَيُّ النَّاسِ خَيْرٌ؟ قَالَ: الْحَالُّ الْمُرْتَحِلُ، أَيِ الْفَاتِحُ الْخَاتِمُ الَّذِي يَفْتَحُ الْقُرْآنَ وَ يَخْتِمُهُ فَلَهُ عِنْدَ اللَّهِ دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ» (بحار الأنوار، ج89، ص205، ح7).

و اینکه نزد برخی مشهور شده عثمان قرآن را جمع آوری و تدوین کرد، سخن ناصوابی است بلکه او، مصاحفی که نزد اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وجود داشت را جمع‌آوری کرد، و به آتش کشید.

پرسش: اگر سر یک شخصی را به بدن یک انسان دیگر پیوند زدند، در این صورت این بدن حکم سر را دارد یا حکم بدن را دارد؟

پاسخ: این مسئله از مسائل جدید در فقه می‌باشد که مرحوم اخوی (حضرت آیت الله العظمی سید محمد حسینی شیرازی رضوان الله تعالی علیه) آن را در الفقه به طور مفصل بیان کرده است. این مسأله دارای صورت‌های مختلفی است و اگر عرفاً صاحب سر اصل باشد، مشخص است که بدن تابع صاحب سر است، و اگر صاحب بدن اصل باشد، سر تابع بدن است، و اگر با پیوند سر و بدن، نزد عرف شخص سومی شناخته شود، در این صورت حکم هیچیک از آن دو را ندارد، و در این صورت مسئله محل اختلاف است؛ نظیر این مسئله در فرضی که از نزدیکی دو حیوان مختلف، یک حیوان جدیدی متولد شد، در فقه مطرح شده است.

پرسش: چرا برخلاف صورتی که انسان نسیانا در حالی که روزه است، أکل و شرب داشته باشد، روزه‌اش باطل نیست، اگر نسیانا اصباح جنبا کند، روزه‌اش باطل است؟

پاسخ: بنا بر عموماتی که از ائمه علیهم السلام به دست ما رسیده است، باید بیان شود که هیچ فرقی بین سه مورد مذکور وجود ندارد. در حدیث رفع نسیان مرتفع دانسته شده: «رُفِعَ عَنْ أُمَّتِيَ الْخَطَأُ وَ النِّسْيَانُ وَ مَا أُكْرِهُوا عَلَيْهِ وَ مَا لَا يُطِيقُونَ وَ غَيْرِ ذَلِكَ» (وسائل الشیعة / ج 4 / ص 373) شامل مورد اصباح جنبا نیز می‌شود، ولی با توجه به دلیل خاصی که در مسأله اصباح جنبا وارد شده است، اجماع فقها بر این است که شخصی که از روی نسیان اصباح جنبا داشته است، روزه‌اش باطل است و باید قضا کند.

پرسش: اگر شخصی، شخص دیگری را برای افطاری دعوت کرد و شخص مهمان قبل از اینکه نزد میزبان برود، با یک دانه خرما افطار کرد، در این صورت آیا جایز است که نزد میزبان برود و بر سفرۀ افطار او افطاری تناول کند؟

پاسخ: در این صورت، باید ارتکاز شخص میزبان ملاحظه شود. اگر ارتکاز میزبان به گونه‌ای باشد که این شخص اگر جای دیگری افطار کرد، دیگر حق ندارد نزد او برای افطاری برود، در این صورت با توجه به ارتکاز میزبان، جایز نیست مهمان نزد میزبان برود. اما اگر ارتکاز میزبان به این صورت نبود، دیگر مشکلی متوجه مهمان نمی‌شود.

پرسش: نگاه کردن به موی زنی که از او جدا شده باشد چه حکمی دارد؟

پاسخ: مسأله دارای صورت‌های مختلفی است. یک صورت این است که اگر اعضای بدن زن جدا شده به شخص دیگری متصل شده باشد و عرفاً عضو بدن شخص دیگر قرار گرفته باشد، در این صورت دیگر حکم عضو بدن آن زن را ندارد، مثل پیوند دست یک خانم به یک مرد. صورت دیگر این است که اگر به گونه‌ای جدا شده باشد که عرفاً دیگر عضو بدن این زن به حساب نیاید؛ مثلاً اگر زنی موهایش را کوتاه کند و دور بیندازد، در این صورت هم دیگر نگاه کردن به این موی جداشده از جهت اینکه دیگر جزء بدن زن به حساب نمی‌آید، اشکال ندارد. اما اگر به این صورت جدا نشده باشد، بلکه به گونه ای که امروزه به فروش می رسد، به جهت استصحاب، نگاه کردن به آن موی جدا شده جایز نیست.

پرسش: آیا سفر کردن در ماه رمضان جهت زیارت سید الشهداء علیه‌السلام مکروه است؟

پاسخ: مرحوم صاحب عروه می‌فرماید: «يجوز السفر اختيارا في شهر رمضان بل و لو كان للفرار من الصوم كما مر و أما غيره من الواجب المعين فالأقوى عدم جوازه إلا مع الضرورة كما أنه لو كان مسافرا وجب عليه الإقامة لإتيانه مع الإمكان» (العروة الوثقی، ج3، ص62، فصل في شرائط الصوم، م4).

همچنین در مسئلۀ بعد فرموده است: «الظاهر كراهة السفر في شهر رمضان قبل أن يمضي ثلاثة وعشرون يوماً إلا في حج أو عمرة أو مال يخاف تلفه أو أخ يخاف هلاكه» (همان، ص63، م5).

البته اینکه ایشان فرموده‌اند: «إلا في حج أو عمرة»، به نظر می‌رسد این موارد خصوصیت ندارد، بلکه هر یک از مزاحم‌هایی که شرعاً راجح هستند، مانند طلب علم، آموزش علم و مانند آن، امر به معروف و نهی از منکر، نیکی به پدر و مادر، صله رحم و مانند آن، که زیارت حضرت سید الشهداء علیه‌السلام را نیز شامل می‌شود، از افضل اعمال است.

پرسش: امام جماعتی که در شکش باید طبق نظر مأمومین عمل کند، آیا این حکم حتی نسبت به مأمومین فاسق هم جریان و عمومیت دارد؟

پاسخ: اگر امام جماعت در شماره رکعت‌های نماز شک کند، مثلاً شک کند سه رکعت خوانده یا چهار رکعت، چنانچه مأموم یقین داشته باشد که چهار رکعت خوانده و به امام بفهماند، امام باید نماز را تمام کند و خواندن نماز احتیاط لازم نیست. همچنین اگر امام یقین داشته باشد که چند رکعت خوانده است و مأموم در شماره رکعت‌های نماز شک کند، باید به شک خود اعتنا ننماید.

لازم به ذکر است ادله‌ای که بیان می‌کنند که امام جماعت در شکش باید به مأمومین رجوع کند، مطلق هستند و مقید به موردی نشده است که مأموم باید عادل باشد تا بتوان طبق نظر آن عمل کرد. بنابراین، عدالت و فسق هیچ دخلی در مأموم نسبت به این مسأله ندارند.

البته در رجوع مأموم به امام چنین مسئله ای مطرح نمی شود، زیرا، تنها اقتدا به امام جماعتی که عادل است صحیح می باشد.

پرسش: آیا فروش اجناس به صورت مزایده جایز است؟

پاسخ: بله، ادله جواز بیع شامل بیعی که به صورت مزایده صورت گرفته باشد هم می‌شود و منعی در این مسأله وجود ندارد.

ممکم است گفته شود: با توجه به اینکه در خیلی از مزایده‌ها افرادی را قرار می‌دهند که صرفاً قیمت را بالا ببرند و قصد خرید ندارند، آیا این‌گونه مزایده‌ها هم جایز است؟

در پاسخ گفته می شود: در این مورد -که شخصی بدون قصد خرید فقط قیمت را بالا ببرد- روایتی از امام صادق علیه‌السلام از امیرمؤمنان علیه‌السلام روایت شده است: «إِذَا نَادَى الْمُنَادِي فَلَيْسَ لَكَ أَنْ تَزِيدَ وَ إِنَّمَا يُحَرِّمُ الزِّيَادَةَ النِّدَاءُ وَ يُحِلُّهَا السُّكُوتُ» (وسائل الشیعة، ج17، ص458، الباب 49، ح1).

البته در فهم از این روایت بین فقها شیعه اختلاف شده است. اگرچه ظاهر این روایت، نهی از قیمت بالا گفتن در مزایده است، ولی ظاهراً مشهور به عنوان حرمت به آن عمل نکرده‌اند.

پرسش: اگر زنی به شوهرش مقداری پول بدهد جهت تهیه یک واحد مسکونی، بعد زن ادعا کند این پول را جهت شراکت داده است و مرد بگوید برای قرض داده است، در این صورت کدام مدعی و کدام منکر می‌باشد؟

پاسخ: در این صورت تداعی صورت گرفته است و هر دو مدعی و هر دو منکر می‌باشند و باید به قاضی شرعی مراجعه کنند و مستندات و ادله خود را برای ایشان ارائه دهند، و به حکم او عمل کنند.

پرسش: در آیۀ شریفۀ به نقل از حضرت سلیمان علی نبینا وآله وعلیه السلام خطاب به هدهد آمده است: «قَالَ سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ» (النمل 27: 27)، آیا ممکن بوده که هدهد دروغ بگوید؟

پاسخ: همانطور که در روایات آمده است، حیوانات فقط شهوت دارند و عقل ندارند. در صحیحۀ عبد الله بن سنان آمده است: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقَ علیه السلام فَقُلْتُ الْمَلَائِكَةُ أَفْضَلُ أَمْ بَنُو آدَمَ؟ فَقَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ رَكَّبَ فِي الْمَلَائِكَةِ عَقْلًا بِلَا شَهْوَةٍ وَ رَكَّبَ فِي الْبَهَائِمِ شَهْوَةً بِلَا عَقْلٍ وَ رَكَّبَ فِي بَنِي آدَمَ كِلْتَيْهِمَا، فَمَنْ غَلَبَ عَقْلُهُ شَهْوَتَهُ فَهُوَ خَيْرٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ مَنْ غَلَبَ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ» (بحار الأنوار، ج57، ص299، ح5).

دروغ نیز از شهوت نشأت می‌گیرد و دلیلی بر عصمت حیوانات از گناه دروغ هم در میان نیست. پس تردید حضرت سلیمان علی نبینا وآله وعلیه السلام نسبت به کلام هدهد بی‌جا نبوده است.

پرسش: آیا همان‌گونه که خلاف حکم یک فقیه نمی‌توان حکم کرد، خلاف فتوی هم نمی‌توان فتوی صادر کرد؟

پاسخ: بنابر مقبولۀ عمر بن حنظله از امام صادق علیه‌السلام (وسائل الشیعة، ج1، ص34، الباب 2، ح12)، مخالفت با حکم فقیه -البته تا زمانی که خطای آن روشن نشده باشد- جایز نیست، ولی نسبت به فتوای فقیه، چنین دلیلی نداریم. ولی در آنجا هم وقتی فقیهی خطای نظر فقیه دیگر را ببیند، با آن مخالفت می‌کند و الا اگر ادله تام باشد، موافق با آن نظر می‌دهد.

نظر شما در مورد مختار ثقفی چیست؟

پاسخ: همان‌گونه که مرحوم مامقانی فرموده است: «المختار بن ابى عبيدة الثقفى، قد اختلفت الأقوال و الأخبار فى حقّ المختار»؛ سپس به طور تفصیلی روایات مدح‌کننده و ذم‌کننده را نقل فرموده است (ر.ک: تنقیح المقال، ج3، ص203، رقم 11573). این نکته را هم باید مد نظر داشت که هیچ یک از روایات مدح و ذم، اعتبار سندی ندارند . همچنین مرحوم علامه مجلسی در بابی مستقل به عنوان «باب أحوال المختار بن أبي عبيد الثقفي و ما جرى على يديه و أيدي أوليائه» احوالات و روایات مرتبط با مختار ثقفی را بیان نموده است (ر.ک: بحار الأنوار، ج45، ص332).

دیگر آنکه، مرحوم اخوی (حضرت آیت‌الله العظمی سید محمد حسینی شیرازی رضوان الله تعالی علیه) کتابچه‌ای در احوالات مختار نوشته‌اند و در آن روایات مادحه را ترجیح می‌دهند.

پرسش: نسبت به زکات غلات أربع، حد نصاب بعد از کسر مخارج حساب می‌شود یا قبل از کسر مخارج؟

پاسخ: در این مسأله بین فقهاء اختلاف واقع شده است و تعدادی از علماء بیان کرده‌اند که ملاک در حد نصاب زکات غلات أربع، رسیدن به حد زکات قبل از کسر مخارج است، ولی به نظر می‌رسد همانگونه که مشهور فتوا داده اند: ملاک در واجب شدن زکات، بعد از کسر مخارج می‌باشد. بنابراین، مخارجی که برای گندم، جو، خرما و انگور کرده است، حتی مقداری که از قیمت وسایل و لباس که بر اثر زراعت کم شده، می‌تواند از حاصل کسر کند و چنانچه باقیمانده آن به (847/207 کیلوگرم) برسد، باید زکات آن را بدهد.

پرسش: مقدار ستر واجب در نماز به چه مقدار می‌باشد؟

پاسخ: مرحوم صاحب عروه می‌فرماید: «الستر حال الصلاة، فله كيفيّة خاصّة و يشترط فيه ساتر خاصّ و يجب مطلقاً، سواء كان هناك ناظر محترم أو غيره أم لا، و يتفاوت بالنسبة إلى الرجل و المرأة؛ أما الرجل فيجب عليه ستر العورتين، أي القبل من القضيب و البيضتين و حلقة الدبر، لا غير و إن كان الأحوط ستر العجان، أي ما بين حلقة الدبر إلى أصل القضيب، و أحوط من ذلك ستر ما بين السرّة و الركبة، و الواجب ستر لون البشرة، و الأحوط ستر الشبح الذي يرى من خلف الثوب من غير تميّز للونه، و أما الحجم أي الشكل فلا يجب ستره. و أما المرأة فيجب عليها ستر جميع بدنها حتى الرأس و الشعر، إلا الوجه المقدار الذي يغسل في الوضوء و إلا اليدين إلى الزندين و القدمين إلى الساقين ظاهرهما و باطنهما، و يجب ستر شيء من أطراف هذه المستثنیات من باب المقدّمة» (العروة الوثقی، ج2، ص45/ فصل في الستر والساتر).

و اما اینکه فرموده: «ظاهرهما و باطنهما»، به نظر می‌رسد: پوشاندن باطن قدمین بنابر احتیاط استحبابی است. و اینکه فرموده: «من باب المقدّمة»، به نظر می‌رسد: مبنی بر احتیاط است.

پرسش: برای انتقال جنازه از برخی کشورهای اروپایی به مشاهد مشرفه، خون داخل جنازه را خالی می‌کنند. آیا در این صورت هم عمل به وصیت و انتقال جنازه به مشاهد مشرفه لازم می‌باشد؟

پاسخ: در این صورت تزاحم است میان حرمت مؤمن و لزوم عمل به وصیت؛ زیرا از یک طرف، با توجه موثقۀ فضل بن یونس کاتب از امام کاظم علیه السلام: «كَانَ أَبِي يَقُولُ: إِنَّ حُرْمَةَ بَدَنِ الْمُؤْمِنِ مَيِّتاً كَحُرْمَتِهِ حَيّاً» (وسائل الشیعة، ج3، ص55/ الباب 33، ح1)، هتک جنازۀ مؤمن همچون هتک مؤمن در حیات حیاتش حرام است، و این کار عرفا از مصادیق هتک به جنازۀ مؤمن می‌باشد. از طرف دیگر، عمل به وصیت لازم است ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ \* فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ [البقرة 2: 180-181]، در مثل این موارد که تزاحم بین واجب و حرام است، به مزاحم اهم عمل می شود.

البته لازم به ذکر است، انتقال اجساد به مشاهد مشرفه فی نفسه مستحب است.

پرسش: اگر شخصی در صورت وضو گرفتن متضرر می شود یا به مشقت می افتد، آیا جایز است تیمم کند؟

پاسخ: چنین شخصی می‌تواند تیمم بدل از وضو کند؛ زیرا قاعده لا ضرر و لا حرج وجوب وضو را برطرف می کند، و بنابر ادلۀ دیگر در این صورت وظیفۀ او تیمم است.

پرسش: شخصی که به مسافرت رفت و تا سی روز مردد بود که چند روز اقامت می کند، وظیفۀ او در نمازهایش چیست؟

پاسخ: اگر مسافر بعد از رسیدن به مسافت شرعی، سی روز در جایی بماند به شرط اینکه مدتی در شهری و مردتی در شهر دیگری نماند بلکه تمام سی روز را در یکجا بماند، و در تمام سی روز در رفتن و ماندن مردّد باشد، نماز او شکسته است و بعد از گذشتن سی روز اگرچه مقدار کمی در آنجا بماند، باید نماز را تمام بخواند.